

## تأثیر ورشکستگی متقاضی اعتبار اسنادی بر حقوق ذی‌نفع

میثم ملازاده<sup>۱</sup>یوسف درویشی هویدا<sup>۲</sup>سیامک قیاسی سررکی<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت ۱۳۹۹/۱۰/۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۱۲

## چکیده

در دنیای تجارت، دو طرف معامله و قرارداد خرید و فروش کالا در پی آن هستند که در مقابل تعهد طرف مقابل برای تحویل کالا یا ارائه سرویس و خدمات و یا دریافت وجه آن تضمین مالی و اعتباری کافی در دست داشته باشند. جمع این تقابل منافع در قالب اعتبارات اسنادی و تحت مکانیسم‌های ویژه‌ی بانکی صورت می‌گیرد. اعتبار اسنادی یکی از روش‌های پرداخت غیرمستقیم است که بر اساس آن، بانک، به عنوان یک شخص ثالث، متعهد می‌شود که تحت شرایط خاصی که در دستورات خریدار به بانک مشخص است، وجهی را تا یک زمان مقرر، در مقابل ارائه‌ی اسنادی معین، پرداخت کند. اصل استقلال، سنگ زیرین حقوق اعتبارات اسنادی را تشکیل می‌دهد. مطابق این اصل، تعهد گشاینده اعتبار اسنادی مبنی بر پرداخت وجه برات صادره از سوی ذینفع یا مطالبه‌ای که از سوی ذینفع صورت می‌گیرد، کاملاً جدا و متمایز از سایر معاملات مرتبط - معامله پایه بین متقاضی اعتبار و ذی‌نفع، و قرارداد تقاضای اعتبار فی مابین متقاضی اعتبار و گشاینده اعتبار - است. طرف‌های معامله اعتبار اسنادی به معنای عام، به ویژه متقاضی اعتبار ممکن است ورشکسته اعلام شوند. پرسشی که رساله پیش رو در صدد پاسخگویی به آن می‌باشد، این است که ورشکستگی مزبور چه تأثیری بر حقوق ذی‌نفع می‌تواند داشته باشد. در این نوشتار پس از بررسی مفاهیم و کلیات اعتبار اسنادی، اصول حاکم بر آن، نهایتاً تأثیر ورشکستگی متقاضی بر حقوق ذی‌نفع بررسی گردیده است.

## واژگان کلیدی:

اعتبارات اسنادی، اصل استقلال، ذی‌نفع، گشاینده، ورشکسته، متقاضی اعتبار.

<sup>۱</sup> . دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.

<sup>۲</sup> . استادیار گروه فقه و حقوق، واحد تهران مرکز، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

yousefdarvishihoveida@yahoo.com

<sup>۳</sup> . استادیار گروه حقوق، واحد قم، دانشگاه جامعه المصطفی، قم، ایران. Sqiaisi52@gmail.com

اعتبار اسنادی<sup>۴</sup>، به دلیل امتیازات شایان و قابل توجهی که به عنوان یک روش پرداخت در خود جای داده است، (چرا که اطمینان و تضمین کافی را برای خریدار و فروشنده به ترتیب در جهت دستیابی به کالا و اعتبار مورد توافق فراهم می‌آورد، نقدینگی را برای خریدار تأمین می‌نماید و در صورت دخالت بانک تأییدکننده، امکان طرح دعوی برای فروشنده در داخل کشور فراهم می‌شود.) از مقبولیت جهانی برخوردار بوده و در سطح بین‌المللی به عنوان رایج‌ترین و مطمئن‌ترین روش پرداخت مورد شناسایی واقع شده است. مسلماً وفور استعمال، توجه به ویژگی‌ها و چالش‌هایش، آن را در کانون اهمیت و ضرورت قرار داده و به همین علت است که مطالعات گسترده-ای در زمینه اعتبارات اسنادی توسط محققان و در عرصه‌های مختلف اقتصادی، تجاری، حرفه‌ای بانکی و حقوقی صورت گرفته است. همان‌طور که از عنوان این تحقیق پیداست، در این مقاله تأثیر ورشکستگی متقاضی اعتبار اسنادی (خریدار) مورد بحث و بررسی واقع شده است. مسأله‌ای که تقریباً در منابع موجود به بررسی آن پرداخته نشده است. نویسنده تلاش نموده، پس از ارائه توضیحاتی در خصوص اعتبارات اسنادی، پاسخ سؤال مزبور را نیز ارائه دهد.

در ورود به بحث، اعتبار اسنادی را می‌توان مختصراً بدین شرح توصیف نمود که عمدتاً در قرارداد بیعی که میان یک خریدار (واردکننده) و فروشنده (صادرکننده) منعقد می‌گردد (قرارداد پایه)، روش پرداخت ثمن معامله نیز بنا به اقتضائات آن معامله خاص و روابط فی‌مابین تعیین می‌شود. علاوه بر روش‌هایی چون پرداخت نقدی<sup>۵</sup>، حساب باز/آزاد<sup>۶</sup> و روش وصولی<sup>۷</sup>، اعتبار اسنادی نیز به عنوان یک روش پرداخت در قرارداد پایه قابل درج می‌باشد. به این ترتیب که در این روش، خریدار به عنوان متقاضی گشایش اعتبار اسنادی، به بانک مراجعه نموده و از او درخواست می‌کند که در مقابل دریافت کارمزد، اعتباری را به نفع فروشنده (ذی‌نفع) که غالباً در کشور دیگری است گشایش کند تا با ارائه اسناد و مدارک از پیش تعیین شده در مهلتی معین، بتواند مبلغ اعتبار را طبق شرایط مورد توافق وصول نماید. بانک نیز گشایش اعتبار را با شرایط مقرر، از طریق بانکی در کشور ذی‌نفع (بانک ابلاغ‌کننده) به اطلاع او می‌رساند.

بنابراین در عملیات اعتبار اسنادی غالباً (و نه الزاماً) سه عمل حقوقی مجزا واقع می‌شود: ۱. قرارداد پایه ۲. قرارداد تقاضای گشایش اعتبار ۳. التزام بانک گشاینده در برابر ذی‌نفع اعتبار.

#### الف- تعریف و تاریخچه اعتبار اسنادی و اصول حاکم بر آن

4. Documentary Credit, Letter of Credit, LC

5. Cash Payment

6. Open Account

7. Collection

۱. **تعریف اعتبارات اسنادی:** اعتبار واژه‌ی مجهول‌المعنی، مختلف‌التفسیر که گاه مترادف دلیل عقل و گاه مغایر دلیل عقل (در اثبات انحلال عقود جایزه به موت و جنون و سفه) و گاه به معنی قیاس (نه قیاس اصولی) و گاه به معنی استدلال به مصالح مرسله استعمال شده است. (لنگرودی، ۱۳۹۰: ۱۱۲) در زبان عرف هنگامی که گفته می‌شود شخصی دارای اعتبار است، مقصود آن است که شخص مورد نظر شخصی با انطباق مالی، خوش‌نام، خوش‌حساب و پاینده به تعهدات خویش است. (نیاسری، ۱۳۸۹: ۲۶۳) یکی از نویسندگان در تعریف این مکانیسم با تکیه بر تعهد بانک چنین بیان داشته: «تعهد یک بانک یا هر شخص دیگر بنا به تقاضای دستوردهنده مبنی بر اینکه به عنوان صادرکننده، بروات یا سایر مطالبه‌های ذینفع را به شرط تطبیق آنها با شرایط مقرر در اعتبار پرداخت کند» (نیاسری، ۱۳۸۹: ۲۶۳) به نظر، این تعریف بیشتر با توجه به ماده ۵ قانون متحدالشکل ایالات متحده آمریکا موسوم به UCC ارائه گردیده است<sup>۸</sup> زیرا مقررات مذکور نیز اعتبار اسنادی را نوعی تعهد معرفی می‌نماید، بر اساس یک تعریف معروف دیگر نیز اعتبار اسنادی سندی معرفی شده که به موجب آن یک بانک بر اساس درخواست مشتری، پرداخت وجهی را به ذینفع در قبال ارائه اسناد مشخص بر عهده می‌گیرد. علی‌رغم اینکه این تعریف به صورت تقریباً جامعی دربرگیرنده تمام عملیات اعتبار اسنادی است و از سوی برخی دیگر از نویسندگان ما نیز مورد پیروی واقع و بعضاً تکمیل‌تر نیز گردیده است، با این حال، توصیف اعتبار اسنادی به عنوان یک سند از ایرادات وارد بر آن می‌باشد، چراکه خواهیم دید مکانیسم اعتبار اسنادی صرف نظر از شباهت‌هایی که با برخی اسناد تجاری دارد نمی‌تواند صرفاً به عنوان سند تعریف شود. برخی دیگر نیز با تکیه بر استفاده از اعتبار در قبال ارائه اسناد مشخص و معین صرفاً به نتیجه مکانیسم توجه کرده‌اند که این امر نیز موجب مغفول ماندن سایر ارکان و جریان عملیاتی است که منتهی به این نتیجه می‌گردد. (کریمی، ۱۳۶۷: ۹۴)

با این وصف طراحان مقررات متحدالشکل اعتبار اسنادی<sup>۹</sup> با آگاهی از اختلافات عمیق نظام‌های حقوقی در ماهیت اعتبار اسنادی با به کار بردن واژگانی کلی همانند، «هر ترتیب و هر نام و وصف» در تعریف اعتبار اسنادی سکوت را ترجیح داده‌اند تا با توجه به این اختلافات عمیق بر سر تعریف، به ماهیت بین‌المللی آن خدشه‌ای وارد نگردد، ماده ۲ این مقررات در تعریف اعتبار بیان داشته است:

«اعتبار: یعنی هرگونه ترتیبی، به هر نام یا توصیفی، که در برگیرنده تعهد قطعی و برگشت‌ناپذیر بانک گشاینده نسبت به پذیرش پرداخت اسناد ارائه شده طبق شرایط اعتبار است».

## ۲. تاریخچه

برخی از نویسندگان معتقدند شکلی از برات که در سده دوازدهم در منطقه مدیترانه مورد استفاده بود و با عنوان «سند پرداخت» یا «سند تحویل» از آن یاد می‌شد، سنگ بنای اعتبار اسنادی کنونی را تشکیل می‌دهد. به موجب این سند، طلبکار از مدیون خود درخواست می‌کرد یا به او دستور می‌داد، وجهی را به شخص ثالثی بپردازد. برخی دیگر از نویسندگان، اعتبار اسنادی را اعتبارنامه باز که در قرون وسطی مورد استفاده بود، می‌دانند. اعتبارنامه باز عبارت از، تقاضانامه مفتوحی است که به موجب آن یک شخص، (معمولاً یک بانکدار یا تاجر) از یک شخص یا اشخاص دیگری درخواست می‌کند، به شخص ثالثی که نام او در تقاضانامه مشخص شده است، تا میزان معینی

<sup>۸</sup>. Uniform Commercial Cod قانون تجارت متحدالشکل آمریکا

<sup>۹</sup>. UCP600

وجه نقد پرداخت نماید یا اعتبار بدهد و تعهد می‌نماید همان مبلغ را به شخصی که وجه را پرداخته، بازپرداخت نموده یا برواتی که بر عهده خود او صادر می‌شود، تا همان میزان قبول نماید. (بوکلی، ۲۰۱۹: ۳۹)

عده‌ای معتقدند که زمان پیدایش اعتبار اسنادی اواخر قرن هجدهم است. فرم اصلی اعتبار اسنادی از آن زمان تاکنون اساساً تغییری نکرده است. حال آن‌که مقررات ناظر بر موارد کاربرد آن به تدریج پیچیده‌تر شده است. اعتبار اسنادی اصولاً در داد و ستدهای بین‌المللی کاربرد دارد لیکن در محدوده داخلی کشورهای پهناور نیز تا حدی مورد استفاده است. از آنجا که اعتبار اسنادی اغلب کارکرد ضمانتی دارد، عمدتاً در زمان ناآرامی سیاسی مورد استفاده قرار می‌گیرد. به‌ویژه زمانی که خطر وقوع جنگ جدی است یا با شروع دوران پس از جنگ، روابط تجاری از حالت عادی خارج شده است.

بنا به دلایل یاد شده، همگان بر این باور بودند که پس از جنگ جهانی دوم با برقراری صلح و از سرگیری روابط تجاری، کاربرد اعتبار اسنادی کاهش می‌یابد اما خلاف این تصور به اثبات رسید. ظاهراً تعداد اعتبارات صادره و ابلاغ شده تنها اندکی کاهش یافته است، در حالی که ارزش فروش کل بدون کمترین تأثیر پذیری از تورم، حد معناداری را نشان می‌دهد. اما ظاهر گردش کل تجارت جهانی رو به تقلیل است. علت بروز چنین میل و گرایش، تغییر معنادار الگوی تجارت است. پیشتر تنها معدودی از شرکت‌های نسبتاً عظیم در امر واردات و صادرات فعالیت می‌کردند. در صورتی که طی سالهای اخیر واردات و به ویژه صادرات کالا در شرکت‌های متوسط و حتی کوچک کاملاً متداول گشته است. صرفنظر از تغییراتی که ساختار اعتبار اسنادی در طول تاریخ داشته است، اوضاع سیاسی هم کاربرد آن را در مناطق خاص تحت تأثیر قرار داده است. جنگ‌های داخلی یا جنگ‌های میان دولت‌ها فعالیت تجاری را محدود می‌سازد و نیاز به اعتبار اسنادی یا تمایل بانک‌ها برای خطر پذیری را کاهش می‌دهد. بنابراین با خطر آفرین تلقی شدن کشورهای همجوار نیاز به گشایش اعتبار اسنادی نیز به همان اندازه افزایش می‌یابد.

کاربرد اعتبار اسنادی برای انواع خاصی از کالاها با تغییراتی همراه بوده است کالاهایی که سابقاً از طریق اعتبار اسنادی معامله می‌شدند رفته‌رفته به روش دیگری معامله می‌شوند. بالعکس، کالاهایی که تا پیش از این بدون استفاده از اعتبار اسنادی معامله می‌شدند، ممکن است به تدریج از طریق اعتبار اسنادی معامله شوند.

دادوستدهای مبتنی بر واردات و صادرات از طریق اعتبار اسنادی به طور قابل ملاحظه‌ای در آسیای جنوب شرقی و چین انجام می‌گیرد. کشورهایی مانند هنگ کنگ، تایوان، کره جنوبی، فیلیپین، مالزی، پاکستان و تایلند در این زمینه به طور جدی فعال هستند. ویتنام و بنگلادش نیز از جمله کشورهای هستند که در این زمینه پیشرفت خوبی داشته‌اند. در هندوستان و ژاپن نیز کاربرد اعتبار اسنادی نظیر مناطقی اعم از آمریکای جنوبی، آفریقا و خاورمیانه متداول شده است. در اروپا اعتبار اسنادی غالباً در تجارت با اروپای شرقی و مرکزی مورد استفاده قرار می‌گیرد و بسیار شگفت آور است که دامنه استفاده از اعتبار اسنادی در امر صادرات به کشورهای جنوب آلپ نیز کشیده شده است. (کریمی، ۱۳۹۴: ۴۵۶)

از این قضایا می‌توان چنین نتیجه گرفت که تقاضا برای گشایش اعتبار اسنادی غالباً بر اساس روال و رویه‌های رایج صورت می‌گیرد و بر خلاف عقیده بسیاری، استفاده از اعتبار اسنادی به مناطق خاصی محدود نمی‌شود.

**اعتبارات اسنادی کنونی:** به طور دقیق روشن نیست که اعتبارات اسنادی از چه زمان شکل امروزی را به خود گرفته است. با این همه، ظاهراً اکثر نویسندگان بر این عقیده‌اند که اعتبارات اسنادی کنونی در حدود اواسط سده

نوزدهم پدید آمد. طبق سوابق مضبوط، فنلاندی‌ها اولین ملتی بودند که برای واردات قهوه از برزیل در سالهای ۱۸۴۰ به بعد از ابزار اعتبار اسنادی که شباهت زیادی به مکانیسم امروزی داشت، استفاده می‌نمودند. اعتبارات اسنادی پس از جنگ جهانی اول به نهایت کمال رسید و عواملی چند، در کاربرد روزافزون و شکل‌گیری اعتبار اسنادی در آن زمان مؤثر واقع شد: ۱. رشد سریع تجارت جهانی؛ ۲. نوسانات در ارزهای خارجی؛ ۳. بی‌ثباتی در اقتصاد کشورها؛ ۴. ورود افراد کلاهبردار و دغل در معاملات تجاری.

شکل‌گیری رسمی اعتبارات اسنادی به دهه ۱۹۲۰ میلادی باز می‌گردد. در طول این دهه، گروهی از بانکداران نیویورک در راه ایجاد استانداردهایی که بتوانند در معاملات مربوط به اعتبار اسنادی (مورد استفاده در صادرات کالا) به کار گرفته شوند، تلاش کردند. این اقدام را باید اولین گام در راستای ایجاد قواعد و استانداردهای ناظر بر اعتبارات اسنادی دانست که به دنبال آن در سایه اهتمام اتاق بازرگانی بین‌المللی، عرف‌ها و رویه‌های متحدالشکل اعتبارات اسنادی (UCP) تدوین گردید.

بنابراین آنچه از این پیشینه برمی‌آید آن است که اعتبار اسنادی روش پرداختی است که در دستان بازرگانان جوانه زده و به رشد و بالندگی امروزی رسیده است و در این سیر تحول، اثری از نقش‌آفرینی و دخالت قانونگذاران دیده نمی‌شود.

### ۳. اصول حاکم

حقوق اعتبارات اسنادی بر دو اصل بنیادین پایه‌گذاری شده است: الف) اصل استقلال اعتبار اسنادی ب) نظریه انطباق دقیق اسناد

#### ۳-۱- اصل استقلال اعتبار اسنادی (وصف تجریدی)

این اصل در واقع سنگ زیرینای مکانیسم اعتبار اسنادی است، اهمیت آن به اندازه‌ای قابل توجه است که می‌توان ادعا کرد علیرغم وجود تمام ارکان دیگر تشکیل دهنده، بدون وجود این رکن مکانیسم اعتبار اسنادی تهی از مفهوم خواهد بود زیرا بدون آن اعتبار اسنادی یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های خود یعنی پرداخت تضمین شده و مصون از هرگونه ایراد را از دست می‌دهد که در این صورت در خوش‌بینانه‌ترین حالت چیزی از یک سند عادی حقوقی نخواهد بود.

ریشه‌های این اصل را باید در حقوق اسناد تجاری جستجو کرد، در این حوزه معمولاً، عملیات براتی پس از تحقق یک رابطه حقوقی و در مسیر ایفای تعهدات ناشی از آن صورت می‌گیرد. برای نمونه، یک خریدار پس از معامله کالای مورد نظر به جای پرداخت نقدی پول، سندی تجاری را صادر و در اختیار فروشنده قرار می‌دهد، یا بدهکاری بواسطه دینی که به دیگری دارد بر اساس سندی برای متعهد به پرداخت آن می‌شود. تمامی این نمونه‌ها بیانگر وجود دین یا تعهدی است، که مسبوق به تعهد براتی براتکش بوده و به آن «منبع محل برات» و یا تعهد اصلی می‌گویند، پس از آن براتکش با صدور برات این منبع را در قالب تعهدی براتی شکل می‌دهد که به این تعهد «محل برات» و یا تعهد براتی اطلاق می‌شود، این مفهوم که ساخته و پرداخته اندیشه حقوقدانان فرانسوی است از نظر حقوقی به معنای وجوهی است که براتکش به اتکای وجود فعلی و یا وجود آن در زمان پرداخت مبادرت به صدور برات کرده است، با این وصف منبع محل برات همواره یکسان نیست و البته با مفهوم محل برات نیز متفاوت است، این منبع ممکن است ناشی از طلب براتکش از براتگیر باشد یا به واسطه فروش کالایی از سوی

براتکشی بوده و براتگیر در قبال این معامله متعهد گردیده بهای آن را در موعد معینی پرداخت کند و به همین قیاس موارد متعدد دیگری وجود دارد که می‌تواند نمونه‌هایی از محل منبع برات باشد. (اخلاقی، ۱۳۹۸: ۲۷)

مقررات متحدالشکل اعتبارات اسنادی با تأسی از بنیادها و قواعد حقوق تجارت به جهت تضمین و تأمین امنیت بازرگانان در بکارگیری این مکانیسم پرداخت و گسترش بیشتر آن اصل استقلال اعتبار اسنادی را پیش‌بینی کرده است.

بر مبنای این اصل همانگونه که در اسناد تجاری، تعهد براتی مستقل از روابط پایه موجد آن است، در اعتبار اسنادی نیز، اعتبار اسنادی صادره از هرگونه روابط حقوقی طرفین ذیربط آن از جمله قرارداد پایه که بین متقاضی و ذینفع منعقد گردیده و یا توافق بر گشایش اعتبار اسنادی بین بانک گشاینده و متقاضی، مستقل بوده و به هیچ روی تحت تأثیر آنها قرار نمی‌گیرد، هرچند توافق اخیر شرایط آن را تعیین کرده باشد، از این رو چه بسا ممکن است خریدار که به عنوان متقاضی اعتبار مبادرت به گشایش اعتبار به سود ذینفع کرده است، مدعی اسقاط دین خود در برابر فروشنده به هر دلیلی اعم از فسخ و بطلان قرارداد فروش و یا حتی پرداخت وجه معامله گردد و یا مدعی شود کالاهای موضوع معامله معیوب بوده و یا بطور کامل تحویل او نشده است، همین وضعیت در رابطه بین بانک و متقاضی نیز متصور است و ممکن است بانک مدعی عدم انجام تعهدات متقاضی گردد، لیک هیچ یک از این موارد نمی‌تواند بانک گشاینده را از تعهد خود در برابر ذینفع معاف کند، چرا که مقتضای اصل استقلال اعتبار اسنادی مبین این امر است که بانک فقط با این موضوع سروکار دارد که آیا اسنادی که از سوی ذینفع تسلیم گردیده با اسنادی که در دستور گشایش اعتبار از سوی متقاضی به بانک داده شده مطابقت دارد یا خیر؟ این موضوع در یک دعوی بین‌المللی از سوی قاضی «لرد دنینگ» چنین بیان گردید که: «این مطلبی حیاتی است که بانک گشاینده اعتبار باید تعهدات خویش را ایفا کند، هرگونه اختلافی که خریدار ممکن است با فروشنده داشته باشد به هیچ وجه به بانک مربوط نیست...» (ذوقی، ۱۳۹۱: ۲۸)

این اصل در ماده ۴ یوسی‌پی ۶۰۰ به صراحت مورد پیش‌بینی قرار گرفته است، این ماده در این باره مقرر می‌دارد: «اعتبار بنا به ماهیت خود معامله‌ای جدا از قرارداد فروش یا سایر قراردادهایی است که مبنای گشایش اعتبار قرار می‌گیرند. قراردادهای مبنای اعتبار به هیچ وجه ارتباطی به بانکها نداشته و تعهدی برای آنها ایجاد نمی‌کند، حتی اگر در اعتبار هر گونه اشاره‌ای به این قراردادها شده باشد، در نتیجه تعهد بانک نسبت به پذیرش پرداخت، معامله یا هر تعهد دیگری تحت اعتبار تابع ادعاها و یا دفاعیات درخواست کننده اعتبار که ناشی از روابط وی با بانک گشاینده یا ذینفع است نخواهد بود».

همانطور که ملاحظه می‌گردد عبارت حاضر بر استقلال معامله اعتبار اسنادی به معنای خاص از روابط معاملاتی پایه میان متقاضی و ذینفع اعتبار حکایت دارد.

ماده ۵ این مقررات نیز با بیان اینکه بانکها بر اساس اسناد عمل می‌کنند و نه کالا و خدمات یا هرگونه عملکرد مرتبط با اسناد، ضمن نفی پذیرش هر گونه ارتباط بین اسناد و منشأ آنها تأکیدی دوباره بر حاکمیت اصل استقلال اعتبار اسنادی دارد. این اصل که خود همانند اعتبار اسنادی مخلوق عرف و عادت تجاری است از جایگاهی برخوردار است که تبدیل به مثالی با این مضمون شده: «اول پرداخت؛ بعد دعوی» که نشانگر عمق اهمیت این اصل در مکانیسم اعتبارات اسنادی است.

در مقررات باب پنجم جدید کد متحد تجارت آمریکا نیز مفهوم اصل استقلال اعتبار که به قاعده تفکیک هم معروف است اینگونه بیان گردیده است: «حقوق و تعهدات گشاینده اعتبار در برابر ذینفع یا در برابر شخص معرفی شده مطابق اعتبار اسنادی، از وجود، اجرا یا عدم اجرای قرارداد یا توافقی است که اعتبار اسنادی از آن ناشی شده یا مبنای اعتبار اسنادی را تشکیل می‌دهد، اعم از قراردادها یا توافقات بین گشاینده و متقاضی و بین متقاضی و ذینفع مستقل می‌باشد». لازم به ذکر است که اصل استقلال اعتبار در این مجموعه قواعد، از جمله آثار مقتضای ذات اعتبارات اسنادی می‌باشد به گونه‌ای که شرط خلاف آن فی‌مابین طرفین موجب بطلان قرارداد اعتبار اسنادی یا منطبق ساختن آن با ماهیت عقد دیگری غیر از اعتبار اسنادی می‌گردد.

در کنوانسیون سازمان ملل راجع به ضمانت‌نامه‌های مستقل و اعتبارنامه‌های تضمینی نیز به مفهوم اصل استقلال اعتبار اشاره شده است. در ماده ۳ این کنوانسیون مقرر گردیده است: «از نظر این کنوانسیون، تعهد ضامن/گشاینده مستقل است در جایکه تعهد ضامن/گشاینده در برابر ذینفع: (الف) به وجود یا صحت و نفوذ قرارداد پایه یا به وجود یا صحت و نفوذ تعهدنامه دیگر وابسته نمی‌باشد؛ (ب) تابع هیچ شرط یا تعلیقی که در تعهدنامه دیده نشود، یا تابع هیچ فعل یا واقعه آینده و محتمل به استثنای ارائه اسناد یا چنان عمل یا واقعه‌ای که در شمول فعالیت‌های ضامن/گشاینده قرار بگیرد، نشده باشد». همچنین در این کنوانسیون بیان گردیده است که تعهدنامه التزامی مستقل به حساب می‌آید.

اگرچه مبنای تقاضای متقاضی اعتبار از بانک گشاینده اعتبار برای گشایش اعتبار، بدهی‌ای است که در نتیجه انعقاد قرارداد پایه در برابر ذینفع اعتبار ایجاد شده است، اما تعهد بانک گشاینده اعتبار در برابر ذینفع نسبت به پرداخت وجه اعتبار، هیچ ارتباطی به دین متقاضی در اثر قرارداد پایه ندارد و بلکه تعهدی کاملاً مستقل و برگرفته از خود اسناد اعتبار می‌باشد. تعهد بانک گشاینده از قرارداد گشایش اعتبار نیز جدا و مستقل است. (رفیعی، ۱۳۸۷: ۴۷۰)

استقلال اعتبار اسنادی از قرارداد پایه، موجب بیگانگی کامل بانک گشاینده اعتبار از قرارداد پایه می‌شود و این موضوع که بانک متعهد می‌شود وجهی که معادل ثمن معامله پایه است را به ذینفع اعتبار پردازد به این معنا نیست که به یکی از طرفین معامله پایه تبدیل شده است. بنابراین، ایرادها و دفاعیه‌ها و ضمانت‌های اجرایی ناشی از رابطه پایه نیز در مقابل بانک یا علیه وی قابل استناد نیست.

با توجه به جریان اصل استقلال اعتبار در اعتبارات اسنادی، اعتبار اسنادی صرفاً وسیله‌ای جهت تسویه دین ناشی از قرارداد پایه نمی‌باشد و بلکه این اسناد مستقلاً تعهدی را بر دوش گشاینده اعتبار نسبت به پرداخت قرار می‌دهد. در این روش، ذینفع اعتبار اسنادی همین که شرایط شکلی مندرج در اسناد اعتبار را رعایت نماید، محق در مطالبه وجه اعتبار بوده و از سوی دیگر، پرداخت کننده وجه اعتبار همین که به صورت شکلی انطباق اسناد ارائه شده با مفاد اعتبار را ملاحظه نماید و بر این اساس اقدام به پرداخت وجه اعتبار نماید، تعهد خود را به درستی ایفا نموده است. استقلال اعتبار در اعتبارات اسنادی نه تنها ریشه در ایجاد کارایی در این روش پرداخت دارد، بلکه ریشه در ماهیت فعالیت‌های بانکی دارد. توضیح آنکه بانک در همان ابتدا بنا به تقاضای متقاضی اعتبار اقدام به گشایش اعتبار و تنظیم شروطی برای پرداخت وجه اعتبار می‌نماید و در ادامه در مسیر ایفای تعهد خود، صرفاً به انطباق شکلی اسناد ارائه شده با توجه به شرایط مندرج در خود اعتبارنامه توجه کرده و به مسائل ماهوی فی‌مابین متقاضی و ذینفع ورود نمی‌کند.

بانک گشاینده اعتبار نیز نمی‌تواند ایرادها و دفاعیه‌هایی که در قرارداد گشایش اعتبار، میان او و متقاضی مطرح است را در برابر ذینفع استناد نماید. ایرادهایی همچون عدم پرداخت کارمزد ناشی از گشایش اعتبار یا اعسار متقاضی اعتبار، وقوع تهاجر، فسخ قرارداد گشایش اعتبار به سبب وجود یکی از خيارات قانونی و غیره. هیچ یک از ایرادهای فوق مجوز امتناع بانک از ایفای تعهد اعتبار در برابر ذینفع نیست. بر اساس اصل استقلال یا وصف تجریدی، تعهد بانک گشاینده اعتبار به صرف ارائه اسناد به ظاهر مطابق با مفاد و شرایط اعتبار با مطالبه وجه اعتبار توسط ذینفع مواجه است، مگر اینکه تقلب وی ثابت شود که در این صورت، مانع جریان اصل استقلال اعتبار اسنادی شمرده می‌شود.

### ۳-۲- نظریه انطباق دقیق اسناد

ایفای تعهد اعتبار همواره منوط به ارائه اسناد منطبق، بررسی اسناد از سوی بانک و احراز مطابقت ظاهری آنهاست. انطباق اسناد با اعتبار به صرف تطابق ظاهری در شکل و محتوا محدود نمی‌شود و علاوه بر ارائه آن ذینفع می‌بایست از حیث زمان ارائه، شخص ارائه دهنده و مکان ارائه نیز منطبق با مفاد اعتبار باشد.

اصل انطباق دقیق اسناد ارائه شده توسط ذینفع اعتبار با شروط مندرج در اعتبارنامه، یکی از اصول اساسی جاری در حقوق اعتبارات اسنادی می‌باشد. وفق ماده ۵ یو. سی. سی، عملکرد بانک‌ها بر اساس ظاهر اسناد می‌باشد و در محتوای آنها در خصوص کالا یا خدمات مداخله‌ای نمی‌نمایند. ضرورت جریان اصل انطباق دقیق، از باب ضرورت حمایت از حقوق خریداران در قراردادهای تجاری بین‌المللی می‌باشد. توضیح آنکه خریداری که اقدام به انعقاد قرارداد تجاری بین‌المللی و پذیرش روش پرداخت اعتبار اسنادی می‌نماید، اقدام به تقاضای گشایش اعتبار نسبت به فروشنده‌ای می‌نماید که در غالب موارد نه آن را دیده، نه کالای موضوع قرارداد را از نزدیک رؤیت نموده و نه اینکه سابقه‌ای از وجهه‌ی اخلاقی و اعتباری فروشنده دارد. بدین منظور ضروری است تا در کنار اینکه پرداخت وجه اعتبار به ذینفع مصون از ایرادات و دعاوی نشأت گرفته از روابط مبنایی می‌باشد، پرداخت وجه اعتبار در صورتی انجام بگیرد که مفاد اسناد ارائه شده به لحاظ ظاهری منطبق با اسناد ارائه شده همچون بارنامه و گواهی سلامت کالا باشد. (عبدالصمی، ۱۳۹۴: ۳۷)

اصل مزبور بیانگر آن است که اسناد ارائه شده از سوی ذینفع به بانک باید دقیقاً منطبق بر شرایط و حدودی باشد که در اعتبارنامه تصریح شده، به طوری که کوچکترین مغایرت برای بانک کافی است تا از پرداخت وجه اعتبار در برابر اسناد خودداری کند.

برابر این اصل بانک‌ها مکلف به ارزیابی شکلی دقیق مفاد اسناد ارائه شده با شروط مندرج در اعتبارنامه اسنادی می‌باشند و محق در رد درخواست متقاضی برابر اسناد نامنطبق و همچنین مکلف به پرداخت در صورت ارائه اسناد منطبق می‌باشند. چنانچه بانک اقدام به پرداخت وجه اعتبار در برابر اسناد نامنطبق بنماید، خریداری که متقاضی گشایش اعتبار بوده برای حفظ حقوق خود می‌تواند با اثبات تقصیر بانک، از تأمین وجوهی که بانک پرداخته است، خودداری نماید.

وفق ماده ۱۶ یو. سی. پی، بانک‌ها در صورتی که اسناد ارائه شده با شرایط اعتبار اسنادی منطبق نباشند، از قبول آنها خودداری کرده، اسناد را تا دریافت قبول متقاضی یا دریافت دستورهای بعدی نزد خود نگاه می‌دارند. در همین رابطه و با هدف کاهش مغایرت‌ها و الزامی نبودن انطباق جزء به جزء، بند ت ماده ۱۴ یو. سی. پی، مقرر می‌دارد که

نیازی به تطبیق بند به بند از سوی بانک نیست و اما نباید تناقضی میان اطلاعات مندرج در همان اسناد، سایر اسناد تصریح شده در اعتبارنامه و یا خود اعتبارنامه وجود داشته باشد.

### ب) تأثیر ورشکستگی متقاضی اعتبار اسنادی بر حقوق ذی نفع

همانگونه که پیشتر بیان گردید؛ اعتبارات اسنادی، مانند سایر اسناد تجاری، از اصل استقلال نسبت به معامله پایه تبعیت می‌کند. این ویژگی به منظور حفظ کارایی و سودمندی اسناد تجاری پیش‌بینی شده تا متعهد سند تجاری نتواند با استناد به ایرادهای قرارداد پایه که اعتبار اسنادی نیز برای انجام تعهد ناشی از آن صادر شده است از تعهدات خود شانه خالی کند. با توجه به این ویژگی، بانک گشاینده اعتبار اسنادی قطع نظر از روابط خود با متقاضی اعتبار در مقابل ذی نفع اعتبار، مسئولیت پرداخت دارد. اما در این میان امکان دارد متقاضی اعتبار اسنادی ورشکست شود. حال سوالی که مطرح می‌شود این است که آیا ورشکستگی متقاضی اعتبار، بر حقوق ذی نفع اعتبار اثر می‌گذارد؟ برای پاسخ به این سؤال ابتدا به بررسی «اثر انتقال خطر در اعتبارات اسنادی» می‌پردازیم. در این خصوص باید بیان داشت: اعتبار اسنادی بدان علت در معاملات تجاری بین المللی رواج یافته که رتبه اعتباری و توانایی متقاضی اعتبار به پرداخت بر طرف معامله (ذی نفع اعتبار) شناخته شده نیست، یا برای ذی نفع اعتبار رضایت بخش نمی‌باشد. کارکرد اعتبار اسنادی آن است که کلیه خطرات عدم پرداخت از سوی متقاضی را از دوش ذی نفع اعتبار برداشته، و متوجه گشاینده اعتبار می‌سازد. اعتبار اسنادی باعث می‌شود وظیفه تحصیل اطلاعات راجع به وضع مالی خریدار از دوش فروشنده برداشته شده و بر دوش بانک گشاینده که تخصص بیشتری در انجام آن دارد، گذاشته شود. با افتتاح اعتبار به نفع فروشنده، خطر مواجهه با ورشکستگی خریدار از دوش فروشنده برداشته شده، و به دوش بانک گشاینده اعتبار انتقال می‌یابد. در واقع امتیاز اصلی اعتبار اسنادی تجاری آن است که اعتبار بانک گشاینده را جایگزین اعتبار خریدار می‌گرداند. در نتیجه‌ی این جایگزینی، فروشنده دیگر لازم نیست خود را نگران ملائت مالی خریدار ببیند، بلکه به جای آن به اعتبار و ملائت مالی یک شخص صاحب نام و معتبر که غالباً یک بانک تجاری است، اتکاء می‌کند. حقیقتاً خود فروشنده نیز می‌توانست به ارزیابی ملائت و خوش‌حسابی یا بدحسابی متقاضی اعتبار دست پیدا کند، اما از آنجا که غالب گشاینده اعتبار، بانکها و مؤسسات مالی‌ای هستند که در کار ارزیابی اعتبار اشخاص می‌باشند، ایشان این وظیفه را کارآمدتر و اقتصادی‌تر انجام خواهند داد. به هر حال، اصل استقلال اعتبارنامه از قرارداد گشایش اعتبار، این نتیجه را در پی دارد که خطر ناتوانی از تحصیل بازپرداخت مبلغ اعتبار از متقاضی توسط بانک تحمل می‌شود، نه از سوی ذی نفع اعتبار. بنابراین، گشاینده اعتبار باید از همان آغاز ارزیابی درستی از اعتبار مالی متقاضی اعتبار داشته باشد، و مبلغ اعتبار را پیشاپیش از متقاضی دریافت کند یا برای این امر وثیقه‌ای کافی از او اخذ نماید، و صرفاً اسناد حمل را کافی نداند. گشاینده اعتبار پس از آنکه رابطه اعتبار اسنادی شکل گرفت، یک تعهد مستقلی در برابر ذی نفع به عهده دارد. مطابق قواعد عمومی قراردادهای، مخاطرات و زیان‌هایی که متعهد در راستای اجرای تعهد خود، با آنها مواجه است، از جمله خطر ورشکستگی متقاضی اعتبار در بحث حاضر، باید خود متعهد گردد، نه آنکه آنها را بر دوش شخص دیگری بیاندازد (نیاسری، ۱۳۹۰: ۲۴۲).

هنگامی که اعتبار اسنادی نسبت به ذی نفع تشکیل گردید، ورشکستگی متقاضی اعتبار بی‌تأثیر بر تعهد بانک گشاینده در برابر ذی نفع خواهد بود. گشاینده اعتبار ممکن است در این حال، در وصول طلب خویش از دارایی

متقاضی اعتبار با دشواری مواجه باشد، اما این خطری است که گشاینده با افتتاح اعتبار آشکارا آن را بر دوش گرفته است.

اصل توقف پرداخت‌ها و منع «پرداخت مرجح»<sup>۱۰</sup> به طلبکاران ورشکسته در اعتبارات اسنادی: سوالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که آیا در صورت ورشکستگی متقاضی اعتبار (خریدار)، پرداخت وجه به ذی‌نفع اعتبار (فروشنده) با برخی از اصول حقوق ورشکستگی، به ویژه اصل توقف پرداختها و اصل منع پرداخت مرجح به طلبکاران ورشکسته معارض به نظر می‌رسد یا خیر؟

در پاسخ به این سؤال دو دیدگاه وجود دارد: دیدگاه اول مخصوص گروهی است که معتقدند پس از ورشکستگی متقاضی اعتبار، پرداخت وجه به ذی‌نفع اعتبار، پرداخت مرجح به یکی از طلبکاران متقاضی ورشکسته است و با اعمال اصل تساوی طلبکاران، چنین پرداختی را باطل قلمداد کرده‌اند. در این خصوص می‌توان به آراء برخی از دادگاهها از جمله دادگاههای کشور ایالات متحده آمریکا اشاره کرد که باعث گردید اقدام به استفاده از آیین دادرسی فوری و صدور قرار دستور موقت مبنی بر عدم پرداخت وجه به ذی‌نفع نمایند تا پس از آن رسیدگی ماهوی صورت گرفته و تعیین تکلیف نهایی صورت پذیرد. البته این اقدام بانکها مبنی بر صدور قرار دستور موقت، انتقادات بسیاری را در دکتین حقوقی و بین حقوقدانان و اندیشمندان در پی داشت. دادگاههای مزبور برای اقدام خود حداقل سه دلیل را در نظر داشتند:

دلیل اول: پرداخت وجه اعتبار توسط بانک گشاینده به ذی‌نفع سبب می‌شود بانک مزبور، طلبی جهت مطالبه بازپرداخت نسبت به دارایی ورشکسته بیابد. از نظر دادگاه، این واقعیت که بانک گشاینده از متقاضی اعتبار جهت توثیق استیفای طلب خود بابت بازپرداخت، وثیقه اخذ کرده است، باعث می‌شود در صورت پرداخت وجه اعتبار، به یکی از طلبکاران دارای وثیقه اضافه گردد، و این یعنی پرداخت مرجح به ذی‌نفع اعتبار از محل دارایی متقاضی ورشکسته، هر چند به نحو غیر مستقیم است.

دلیل دوم: نتیجه جواز پرداخت وجه به ذی‌نفع، این خواهد بود که ذی‌نفع که در رابطه خود با متقاضی اعتبار یک طلبکار عادی است، تابع قاعده دریافت طلب به نسبت طلب قرار نگرفته، بلکه با او همانند طلبکاری که دارای وثیقه است، و استثنائاً در حدود مبلغ مال مورد وثیقه می‌تواند تمام طلب خود را دریافت دارد، رفتار شود.

و دلیل سوم: به گمان دادگاه، بانک گشاینده اعتبار به هنگام انعقاد قرارداد تقاضای اعتبار با متقاضی، مالی از اموال متقاضی را به وثیقه گرفته است. طلبی که بانک جهت بازپرداخت از متقاضی دارد، طلبی معلق است که در صورت پرداخت مبلغ اعتبار به ذی‌نفع منجر شده، و به تبع منجز شدن طلب گشاینده از متقاضی در اثر پرداخت وجه به ذی‌نفع، بانک جهت مطالبه طلب خود بابت بازپرداخت، آن حق وثیقه را به اجرا خواهد نهاد.

<sup>10</sup>. Preferential Payment or Preferential Transfer

اما گروه دوم نظر مخالف دارند و معتقدند: پرداخت وجه توسط بانک به ذی‌نفع اعتبار از محل دارایی متقاضی ورشکسته نیست که پرداخت مرجح تلقی شده، و در نتیجه باطل به شمار آید. در حقیقت، اعتبار اسنادی به معنای خاص، عمل حقوقی‌ای نیست که متقاضی ورشکسته انشاء کرده باشد، بلکه اعتبار اسنادی، تعهد گشاینده اعتبار است در برابر ذی‌نفع مبنی بر پرداخت مبلغ اعتبار از محل دارایی خود گشاینده در صورت رخداد تعلیقات معینی که در اعتبار مشخص شده است. لذا، پرداخت وجه اعتبار به ذی‌نفع اعتبار توسط بانک متعهد را نباید پرداخت مرجح انگاشت، و بر اساس اصول حقوق ورشکستگی (اصل بطلان پرداخت مرجح به یکی از طلبکاران ورشکسته که خود مبتنی بر مصلحت تساوی طلبکاران است)، باطل قلمداد کرد؛ زیرا در اثر این پرداخت، مالی از دارایی متقاضی ورشکسته به ذی‌نفع انتقال نمی‌یابد، بلکه هنگامی که بانک وجه اعتبار اسنادی را به ذی‌نفع می‌پردازد، از محل دارایی خود این تأدیه را صورت می‌دهد، نه از محل دارایی مدیون (متقاضی ورشکسته)، و این پرداخت با «اصل تقسیم دارایی ورشکسته به نسبت طلب»<sup>۱۱</sup> میان طلبکاران منافات ندارد. در حالت ورشکستگی متقاضی اعتبار، پس از آنکه گشاینده اعتبار تعهد ناشی از گشایش اعتبار اسنادی را که تعهد خویشتن است، ایفاء کرد جهت اعمال حق بازپرداخت خویش به عنوان طلبکار به متقاضی ورشکسته رجوع خواهد کرد. در واقع پرداخت وجه اعتبار از سوی گشاینده به ذی‌نفع در فرض ورشکستگی متقاضی را نمی‌توان سبب تقدم ذی‌نفع اعتبار بر دیگر طلبکاران متقاضی ورشکسته در وصول طلب خویش دانست؛ چراکه ذی‌نفع اعتبار، پس از گشایش اعتبار به نفع او، برای استیفای طلب خویش دو بدهکار در اختیار دارد، و پرداختی که در این فرض صورت گرفته، از سوی بدهکار غیرورشکسته (بانک گشاینده اعتبار) و نه بدهکار ورشکسته (متقاضی اعتبار یا همان خریدار) صورت پذیرفته است.

#### نتیجه

در معاملات بین‌المللی، شیوه پرداخت وجه معامله به عنوان یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین اصول و مراحل قرارداد است و از دیدگاه طرفین مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. طبیعی است که هر کدام از طرفین با بررسی و در نظر گرفتن کلیه جوانب و امکانات و توانایی‌های خود سعی بر آن دارد که مطلوب‌ترین روش را از نظر حفظ حداکثر منافع خود، به طرف مقابل تحمیل کند.

با توجه به بررسی‌های بعمل آمده؛ اعتبارات اسنادی روشی مطمئن و مورد قبول عموم صاحب نظران این رشته می‌باشد و مشکلات خریدار و فروشنده را از کلیه جهات به حداقل می‌رساند. مهم‌ترین اصل در این مکانیسم، اصل استقلال اعتبارات اسنادی است که در واقع سنگ زیرین آن است، اهمیت آن به اندازه‌ای قابل توجه است که می‌توان ادعا کرد علیرغم وجود تمام ارکان دیگر تشکیل دهنده، بدون وجود این رکن مکانیسم اعتبار اسنادی مفهومی نخواهد داشت زیرا بدون آن اعتبار اسنادی یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های خود یعنی پرداخت تضمین شده و مصون از هرگونه ایراد را از دست می‌دهد.

با در نظر گرفتن هر دو دیدگاه بررسی‌شده در تحقیق حاضر، مبنی بر اینکه آیا پرداخت وجه به ذی‌نفع اعتبار اسنادی پس از ورشکستگی متقاضی اعتبار اسنادی امکان دارد یا خیر؟ و اینکه در صورت مثبت بودن پاسخ؛ آیا

11. Pro Rate Distribution Rule

پرداخت مزبور با اصل توقف پرداخت‌ها و منع «پرداخت مرجح» به طلبکاران ورشکسته تعارض دارد یا خیر؟ باید گفت: امکان منع گشاینده اعتبار از پرداخت وجه به ذی‌نفع، در فرض ورشکستگی متقاضی اعتبار، این نگرانی را ایجاد خواهد کرد که اعتبار اسنادی امتیاز اصلی خود که همانا «امنیت پرداخت صرف نظر از حوادث ناگواری که در روابط دیگر مرتبط با اعتبار بعداً حادث می‌شود» است، را از دست خواهد داد. چنین رویکردی، یعنی جواز منع بانک گشاینده از پرداخت وجه اعتبار به ذی‌نفع در فرض ورشکستگی متقاضی، حتی اگر محدود به مورد خاصی گردد، رغبت طلبکاران به قبول اعتبار اسنادی در معاملات را کاهش خواهد داد، و بدهکاران را ناگزیر خواهد کرد با صرف وقت و هزینه بیشتری به همان نتیجه‌ای برسند که زمانی به کمک استفاده از اعتبار اسنادی بدان دست می‌یافتند. همچنین این رأی مطمئناً پیامدهای منفی اقتصادی در پی خواهد داشت. (نیاسری، ۱۳۹۲: ۲۴۴)

اعتبار اسنادی به عنوان تضمینی به ویژه برای مواقع ورشکستگی و ناتوانی متقاضی اعتبار از پرداخت ایجاد شده است؛ بنابراین، اگر قرار باشد در حال ورشکستگی متقاضی اعتبار که به اجرای تعهد ناشی از آن (اعتبار) احساس نیاز می‌شود، دیگر این ابزار دردی را درمان نکند، عاقلانه نیست فعالان بازار به آن اتکاء کنند چراکه ذی‌نفع پیش از تاریخ توقف متقاضی با وی توافق کرده است که در هر صورت از جمله ورشکستگی متقاضی (خریدار) به حقوق و طلب خود برسد.

به هر حال، با توجه به اصل استقلال معامله اعتبار اسنادی به معنای خاص از قرارداد گشایش اعتبار، نه گشاینده اعتبار می‌تواند ورشکستگی متقاضی اعتبار را مستمسکی برای عدم پرداخت وجه اعتبار به ذی‌نفع قرار دهد، و نه اداره تصفیه متقاضی ورشکسته می‌تواند مانع پرداخت وجه توسط گشاینده به ذی‌نفع اعتبار گردد، یا پرداختی را که قبلاً توسط گشاینده صورت گرفته است، موضوع دعوای استرداد قرار دهد و از ذی‌نفع بخواهد به عنوان طلبکار عادی وارد غرماء شود. چراکه در نظام حقوقی ایران و در بند ۳ ماده ۴۲۳ قانون تجارت که دلالت بر بطلان هر معامله‌ای دارد که مالی از اموال مدیون را مقید نماید، صرفاً ناظر به بطلان ایجاد «حق وثیقه عینی» پس از تاریخ توقف است، و شامل دادن وثیقه شخصی اعم از ضمانت، اعتبار اسنادی و غیر آنها نمی‌شود. همچنین، بند ۲ ماده فوق که مشعر بر بطلان تأدیه هر نوع قرض اعم از حال یا موجدل «به هر وسیله‌ای که به عمل آمده باشد» دارد، تنها شمول بر وسایلی دارد که از محل دارایی خود مدیون ورشکسته پرداخت صورت گرفته باشد، نه اعتبار اسنادی که پرداخت وجه آن از محل دارایی بانک گشاینده است. در مجموع و به عنوان نتیجه می‌توان گفت در صورت ورشکستگی متقاضی اعتبار، باید وجه اعتبار از سوی گشاینده به ذی‌نفع اعتبار پرداخت گردد چراکه ذی‌نفع، از قبل و بر اساس قرارداد پایه، روش اعتبار اسنادی را برگزیده تا در صورت ورشکستگی متقاضی بتواند بدون هیچگونه مشکلی وجه اعتبار را دریافت نماید و اگر قرار باشد با ورشکستگی متقاضی، ذی‌نفع نتواند حقیقت را ستانده و متعاقباً مجبور شود داخل غرماء گردد ویژگی اصلی اعتبار اسنادی که همان سهولت در دریافت وجه اعتبار است از دست خواهد رفت و رغبت تجار بویژه در حوزه بین‌الملل در خصوص استفاده از آن کاهش خواهد یافت که این امر ضربه مهلک و سنگینی بر این روش پرداخت خواهد بود و مطمئناً تجارت بین‌الملل را با چالش بزرگی مواجه خواهد ساخت.

## منابع فارسی

۱. اتاق بازرگانی بین‌المللی. (۱۳۹۴). مقررات متحدالشکل اعتبارات اسنادی (UCP600) ترجمه محمد صالح ذوقی، چاپ هشتم، تهران، کمیته ایرانی اتاق بازرگانی بین‌المللی.
۲. اخلاقی، بهروز. (بی تا). جزوه حقوق تجارت، دوره کارشناسی ارشد.
۳. اسکینی، ربیعا. (۱۳۷۳). حقوق تجارت (برات، سفته، قبض انبار، اسناد در وجه حامل)، چاپ اول، تهران، انتشارات سمت.
۴. اسکینی، ربیعا. (۱۳۹۲). حقوق تجارت تطبیقی (چک، سفته و برات در حقوق ایران، فرانسه و انگلیس)، چاپ دوم، تهران، انتشارات مجد.
۵. اشمیتوف، کلايو ام. (۱۳۹۳). حقوق تجارت بین‌الملل، ترجمه بهروز اخلاقی و دیگران، ج دوم، چاپ چهارم، تهران، انتشارات سمت.
۶. بناء نیاسری، ماشاءاله. (۱۳۹۵). حقوق اعتبارات اسنادی (تجاری و تضمینی)، جلد ۱ و ۲، چاپ اول، موسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهر دانش.
۷. جعفری لنگرودی، محمد جعفر. (۱۳۸۹). وسیط در ترمینولوژی حقوق، چاپ سوم، انتشارات کتابخانه گنج دانش.
۸. جی ریچارد؛ کول دریس. (۱۳۶۳). نقش اعتبارنامه‌های تنظیمی در تجارت بین‌الملل، ترجمه محسن محبی، مجله حقوقی بین‌المللی، شماره ۱.
۹. ذوقی، محمد صالح. (۱۳۹۴). مقررات متحدالشکل اعتبارات اسنادی (UCP600)، چاپ هشتم، تهران، کمیته ایرانی اتاق بازرگانی بین‌المللی.
۱۰. رفیعی، محمد تقی. (۱۳۸۷). تحلیل حقوقی قرارداد گشایش اعتبار اسنادی در حقوق ایران، مجله حقوقی اندیشه‌های حقوق خصوصی، سال پنجم، شماره دوازدهم، بهار و تابستان.
۱۱. ستوده تهرانی، حسن. (۱۳۷۵). حقوق تجارت، ج ۳، چاپ اول، تهران، نشر دادگستری.
۱۲. شیارا دو؛ جی فیلیپ. (۱۳۹۵). حقوق بانکی بین‌المللی، تکامل اعتبار اسنادی، ترجمه مهدی مختاری، مجله بانک و اقتصاد، ش ۳۴.
۱۳. شیروی، عبدالحسین. (۱۳۹۲). حقوق تجارت بین‌الملل، چاپ پنجم، تهران، انتشارات سمت.
۱۴. کریمی، اسدالله. (۱۳۶۷). مروری بر اعتبارات اسنادی و آخرین مقررات متحدالشکل اعتبارات اسنادی، مجله حقوقی، شماره ۹، پاییز و زمستان.
۱۵. لنگریچ، رینهارد. (۱۳۹۴). اعتبارات اسنادی در حقوق تجارت بین‌الملل، مترجم: سعید حسنی. چاپ سوم، نشر میزان.
۱۶. مافی، همایون؛ راضیه عبدالصمدی. (۱۳۹۴). حقوق بانک گشاینده اعتبار اسنادی در فرض تقلب ذینفع، فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، شماره ۷۶، پاییز.

۱۷. یانگ، گائو ایکس، بوکلی - روس پی. (۱۳۹۳). ماهیت حقوقی ویژه و منحصر به فرد اعتبارات اسنادی: منشأ اعتبارات اسنادی و منابع آن، ترجمه ماشاءالله بناء نیاسری، مجله حقوقی، ش ۳۵.

#### منابع خارجی

18. Dalhuisen, J.H. (2004). Dalhuisen on international commercial, Financial and Trade Law, Hart publishing.
19. Gottridge, H.C. and Megrah. (2001). Maurice the law of Banks Commercial Credits, 8th ed London and New York.
20. Kozolchyk-Boris. (1966). Commercial Letters of Credit in the Americas, A Comparatives Study, M.Bender.